

# یاران با وفا و شهیدان بی همتا

## آشنایی با شهدای کربلا

بسم الله الرحمن الرحیم

# یاران باوفا و شهیدان بی همتا


نویسنده:

واحد تحقیقات مسجد مقدس جمکران



ناشر چاپی:

مسجد مقدس جمکران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

# یاران با وفا و شهیدان بی همتا

## مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور : یاران با وفا و شهیدان بی همتا: آشنایی با شهدای کربلا/ تهیه و تنظیم امور فرهنگی خواهران مسجد مقدس جمکران.

مشخصات نشر : قم: مسجد مقدس جمکران ۱۳۸۶

مشخصات ظاهری : ۴۰ص

شابک : ۳۵۰۰ ریال: ۹۷۸-۹۶۴-۹۷۳-۰۸۱-۳

وضعیت فهرست نویسی : برون سپاری.

یادداشت : چاپ اول: زمستان ۱۳۸۵.

یادداشت : چاپ دوم.

یادداشت : کتابنامه: ص. ۴۰.

موضوع : حسین بن علی (ع)، امام سوم، ۴ - ۶۱ق -- اصحاب

موضوع : واقعه کربلا، ۶۱ق

شناسه افزوده : مسجد جمکران (قم)

شناسه افزوده : مسجد جمکران (قم). امور فرهنگی خواهران

رده بندی کنگره : BP۴۲/ی۲۲ ۱۳۸۵

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۹۵۳۷

شماره کتابشناسی ملی : ۱۰۹۷۴۴۲

ص:۱

## اشاره

## مقدمه

واقعه بزرگ کربلاـ و شهادت ابی عبداللّه الحسین علیه السلام و یاران باوفایش برای همه انسان های آزاده، از ملیت های مختلف به خصوص مسلمانان و پیروان قرآن، جریانی آموزنده و انسان ساز به شمار می رود.

شناخت صحیح از قیام عاشورا و آگاهی دقیق از اهداف والای این نهضت مقدّس همانند چراغ فروزانی است که راه را برای پویندگان وادی معرفت روشن می سازد و درس مقاومت را تا مرز شهادت در مقابله با افکار انحرافی و توطئه های شیطانی قدرت های سلطه گر، به همگان آموزش می دهد.

مکتب عاشورا، قیام در راه خداوند را اساس عزّت و سعادت ابدی و زندگی با ستمگران را منشأ ذلّت و حقارت معرفی می کند و ندای «إنّی لا أرَی الْمَوت الاّ السَعاده والحَیاه مَعَ الظّالِمینَ إلّا بَرْماً؛ همانا مرگ را جز سعادت و خوشبختی و زندگی با ستمگران را جز ذلّت و خواری نمی بینم» را به گوش جهانیان می رساند.

نوشتار مختصری که در اختیار شما قرار می گیرد، مشتمل بر اسامی و معرّفی افرادی است که روز عاشورا در رکاب سالار شهیدان به درجه رفیع شهادت رسیدند و تعداد آنان، آن چنان که معروف است هفتاد و دو تن می باشد ولی بعضی از مورّخان و محققّان همانند سید بن طاووس رحمه الله آمار شهدای نهضت حسینی را بیش از این نقل نموده اند.

هر چند از سخنان امام حسین علیه السلام در شب عاشورا خطاب به یارانش آن جا که می فرماید: «همانا من اصحابی با وفا تر و بهتر از اصحاب خود

نمی دانم و اهل بیتی نیکوتر از اهل بیت خود سراغ ندارم، خداوند به شما جزای خیر عنایت فرماید.» استفاده می شود که همه اصحاب آن بزرگوار، مقام و منزلت والا یی نزد خداوند دارند. ولی در آن جمع، اعم از بنی هاشم و دیگران، چهره های تابناکی وجود دارد که موقعیت و مرتبه بسیار بالا ـ و سابقه درخشان زندگی شان از صدر اسلام تا عاشورای شصت و یک هجری، آنان را در میان سایر شهدا ممتاز کرده و به مرتبه فوق العاده ای از کمال و فضیلت نایل گردانیده است. این واقعیت را هم در اخلاق، رفتار و گفتارشان می توان مشاهده کرد و هم از تعبیراتی که امام علیه السلام در مورد آنان دارد به خوبی می توان استفاده نمود. شهیدانی که چون ستارگان درخشان در آسمان فضیلت و ایمان نور افشانی می کنند و بشریت را تا روز قیامت از مشعل عشق و چراغ هدایت خود بهره مند می سازند. سلام خداوند متعال و درود انبیاء و اولیائش بر آنان باد که با بذل جان و تحمّل رنج فراوان، نماد بندگی خالص را در معرض دید جهانیان گذاشته و فرشتگان آسمان را به شگفتی و تحسین وادار کردند و خود به جوار رحمت الهی پیوستند و به فوز عظیم و سعادت ابدی رسیدند، «طُوبی لَهُم و حُسْنُ مَأب؛ خوشا بر احوال آنان و مقام نیکوی شان».

امید است پویندگان راه حقیقت و جویندگان طریق عبودیت، روش و منش آن شهیدان را فرا روی خود قرار داده و در فراز و نشیب زندگی به آنان اقتدا نمایند.

از پروردگار منّان مسئلت داریم ما را در زنده نگاه داشتن مکتب سراسر آموزنده کربلا یاری کند و توفیق پاسداری از پیام و مَرام آن عزیزان را به ما کرامت فرماید.

خداوند، روح پاک بنیان گذار جمهوری اسلامی، حضرت امام

ص:۹

خمینی قدس سره را که با الهام گرفتن از عاشورا و قیام سیدالشهداءعلیه السلام انقلاب بزرگ ملّت رشید ایران را پایه گذاری کردند، با اجداد طاهرین شان محشور نماید و مقام معظم رهبری «مد ظله العالی» را زیر سایه لطف و عنایات حضرت ولی اللّه الاعظم امام زمان «عجل اللّه تعالی فرجه الشریف» مؤید و منصور بدارد و شهدای انقلاب و دفاع مقدّس را با شهیدان کربلا همنشین گرداند. اینک در دو فصل به معرّفی اجمالی یاران باوفای حضرت سیّد الشّهداعلیه السلام که در کربلای معلّی به شهادت رسیدند، می پردازیم:

## فصل اوّل: یاران امام حسین علیه السلام از آل ابی طالب علیهم السلام(بنی هاشم)

### یاران امام حسین علیه السلام از آل ابی طالب علیهم السلام(بنی هاشم)

### ۱ - عباس بن علی بن ابی طالب علیهم السلام

ایشان در سال بیست و ششم هجری به دنیا آمدند، کنیه شان ابوالفضل است، مادرش فاطمه (امّ البنین)علیها السلام از خاندانی بود که در نژاد عرب کسی مقام، منزلت و شجاعت این خاندان را انکار نمی کرد. حضرت عباس علیه السلام آخرین جنگ آور از بنی هاشم بود که به شهادت رسید و در هنگام شهادت سی و چهار سال داشت. پس از ایشان امام حسین علیه السلام و اطفال خاندان ابی طالب که سلاح نداشتند به شهادت رسیدند. همگان از ایثار، فداکاری و دلاوری سقای کربلا در روز عاشورا و نحوه شهادتش مطّلع اند. فقط در بیان مقام و عظمت آن حضرت، به سخنی از امام سجادعلیه السلام اشاره می کنیم:

امام علیه السلام می فرمایند: «خدا عمویم عباس را رحمت کند، او ایثار کرد، نیکو امتحان داد، جان خود را فدای برادرش کرد تا آنجا که دو دستش قطع شد. خداوند در عوض دو بال به او عنایت فرمود تا با ملائکه خدا در بهشت پرواز کند، چنان که نسبت به جعفر بن ابی طالب علیهما السلام این کار را کرد. همانا نزد پروردگار عالم، مقام و منزلتی دارد که تمام شهدا در روز قیامت بر او غبطه می خورند.»

ص:۱۰

## ۲ – حضرت علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب علیهم السلام

حضرت علی اکبرعلیه السلام یازدهم شعبان سال سی و سه هجری قمری (۲ سال قبل از وفات عثمان) به دنیا آمد. او به هنگام شهادت وارد بیست و هشتمین سال حیات خود شده بود امّا بعضی از مورّخان سن او را هفده، هجده، نوزده و بیست و پنج سال هم نوشته اند. مادرش لیلا دختر ابی مرّه عروه بن مسعود ثقفی است. ابو مرّه از یک خاندان اصیل و شریفی بوده و از رسول خداصلی الله علیه وآله روایات فراوانی در شرافت و جلالت عروه بن مسعود موجود می باشد. ابو مخنّف از عقیبه بن سمعان نقل می کند که امام در طول مسیر حرکت به طرف کربلا، در یک رویای صادقانه دید که اسب سواری، عنان اسب را می کشد و می گوید این جمعیت در حرکتند و مرگ به سویشان می آید. امام علیه السلام به علی اکبرعلیه السلام فرمودند: «این ندای دل است که مرگ را به ما خبر می دهد، علی بن الحسین علیهما السلام عرض کرد: «پدر جان خدا پیشامد بدی برایت نیاورد. ما بر حقّیم و از مرگ هراسی نداریم. امام در حقّ فرزندش این چنین دعا فرمود: «خدا جزای خیر به تو عنایت فرماید، بهترین پاداشی که از سوی پدری به پسری عنایت می فرماید».

بعد از شهادت اصحاب، علی اکبرعلیه السلام که تنهایی پدر را دید، نَفْس شجاع، غیرت هاشمی و روحیه تسلیم نا پذیرش، او را واداشت که از پدر اذن میدان بگیرد. پدر با چشمانی گریان و قلبی سوزان به او اجازه داد. او به میدان رفت و به لشکر، حمله سختی نمود، گروهی او را محاصره کردند و از هر طرف شمشیرها بود که بر او فرود می آمد تا اینکه بدنش را قطعه قطعه کردند. در این هنگام با صدای بلند پدر را فرا خواند، امام علیه السلام خود را بر بالین علی اکبرعلیه السلام رساند در حالیکه بدنش قطعه قطعه شده بود و این چنین فرمود: خداوند بکشد مردمی را که تو را کشتند، چقدر این مردم بر خدا و هتک حرمت رسولش جری

ص:۱۱

و بی باک شده اند، اشک از چشمان مبارک حضرت جاری شد و فرمود: پس از تو خاک بر سر دنیا و زندگی آن باد.

بعد از شـهادت اصـحاب، اولین کسی که از خاندان بنی هاشم شهید شد، علی اکبرعلیه السلام بود و قبر مطهّرش پایین پای ابی عبداللَّه علیه السلام می باشد. ایشان در هنگام شهادت صاحب فرزندی نبود.

### ۳ – عبد اللَّه بن حسین بن علی بن ابی طالب علیهم السلام

طفل شش ماهه امام حسین علیه السلام علی اصغرعلیه السلام می باشد. هنگامی که علی اکبرعلیه السلام به شهادت رسید؛ زنانِ اهل حرم به امام خبر دادند که طفل شـیرخوار بسـیار تشـنه است. ایشان طفل شش ماهه را در بغل گرفت و به میان سپاه دشمن برد و او را بر سـر دست بلند نمود و فرمود: «اگر به من رحم نمی کنید به این کودک ترحّم کنید.» هنوز سخن امام علیه السلام تمام نشده بود که حرمله «لعنه اللَّه عَلَیه» تیری بر گلوی از گل نازکتر حضـرت علی اصغرعلیه السلام زد و او در آغوش پدر در خون خود غلتید.

### ۴ – قاسم بن الحسن بن علی بن ابی طالب علیهم السلام

یاران امام یک به یک شـهید می شدنـد و امام تنها تر می شد. قاسم علیه السـلام فرزند امام حسن علیه السـلام که هنوز به سـن بلوغ نرسـیده و نوجوانی زیبا رو بود نزد سیّد الشهداعلیه السلام آمد تا اذن میدان بگیرد، امام او را در آغوش گرفت و هر دو با هم گریسـتند. به ایشان اذن میدان داده نشد ولی او به دست و پای امام علیه السـلام افتاد و با اصـرار اذن گرفت. سـپس به میان سپاه دشمن رفت و فریاد زد:

«اگر مرا نمی شناسـید، من فرزنـد حسن و نواده پیامبرم. این حسـین است که مثل اسـیر در میان شـماست، خـدا باران رحمت بر شما نباراند.» تعدادی از دشـمنان او را محاصـره کردند و عمرو بن سـعد بن نُفَیل با ضـربت شمشیری او را به زمین انداخت. در این لحظه قاسم علیه السـلام عمویش را صـدا زد. حضـرت به سـرعت خود را رسانـد و بر گروه محاصـره کننده حمله کرد و با شمشیر دست عمرو را قطع نمود.

ص:۱۲

او نعره ای زد و تعدادی از دشـمنان آمدند تا عمرو بن سـعد را نجات دهند، در این بین بدن نازنین قاسم علیه السـلام لگد مال سمّ اسبان گردید.

در میـدان وقتی گرد و غبار فرو نشـست دیدند امام علیه السـلام بر بالین قاسم علیه السـلام که در حال جان دادن بود ایسـتاده و می فرمایـد: «از رحمت خدا دور باد! مردمی که تو را کشـتند، روز قیامت رسول اللَّه شـخصاً دادخواهی خواهد کرد.» و سـپس فرمود: «بر عمویت بسیار دشوار است که او را صدا بزنی و نتواند اجابت کند».

آن گاه امام علیه السلام پیکر مطهّر او را به سینه چسبانید و در کنار شهدای اهل بیت علیهم السلام قرار داد.

## ۵ – ابوبکر بن حسن بن علی علیهم السلام

ایشان فرزند امام حسن مجتبی علیه السلام و مادرش رمله (امّ ولد) بود. از مدینه همراه عمویش امام حسین علیه السلام به کربلا آمد و روز عاشورا اجازه میدان گرفت و پس از نبرد سختی به شهادت رسید. ابوبکر در هنگام شهادت شانزده سال داشت.

## ۶ – عبداللَّه بن حسن بن علی علیهم السلام

نوجوان یازده سال های است که فرزند امام حسن مجتبی علیه السـلام میباشد. در روز عاشورا وقتی دید سید الشّهداعلیه السلام بر زمین افتـاده است، برای دفـاع از عموی مظلومش به سوی میـدان شـتافت. حرمله لعنه اللَّه عَلَیه دست او را که در آغوش امام علیه السلام قرار گرفته بود قطع کرد و همان جا او را به شهادت رساند.

## ۷ – عبد اللَّه بن علی علیهما السلام

عبـداللَّه از فرزنـدان امیرالمؤمنین علیه السـلام و مـادرش امّ البنین علیهـا السـلام است. هنگـام شـهادت امیرالمؤمنین علیه السـلام کودکی شـش ساله بود. وقتی که اصـحاب امام و گروهی از اهل بیت علیهم السـلام شهید شدند، عباس بن علی علیهما السلام برادران خود را که از پـدر و مادر با او یکی بودند فرا خواند و گفت: به میدان بروید. اوّل عبداللَّه بن علی که از عثمان و جعفر بزرگ تر بود به پا خاست.

ص:۱۳

حضرت ابوالفضل علیه السلام به او گفت: ای برادر! به میدان برو تا تو را در راه خدا کشته ببینم. پس او به میدان آمد در حالی که رَجَز می خواند و شمشیر می زد و مبارزه می کرد، مردی به نام هانی بن ثبیت بر او حمله کرد و با شمشیر، ضربتی بر سر او وارد نمود و او را به شهادت رساند.

### ۸ – عثمان بن علی علیهما السلام

پدرش امیرمؤمنان علیه السلام و مادرش امّ البنین علیها السلام می باشد. به خاطر علاقه زیادی که علی علیه السلام به عثمان بن مظعون یکی از اصحاب رسول خداصلی الله علیه وآله داشت نام فرزندش را عثمان گذاشت. عثمان به سفارش حضر ت عباس علیه السلام پس از شهادت برادرش عبداللَّه به میدان جنگ رفت. و در حالی که شمشیر می زد و رجز می خواند، خولی بن یزید او را سخت مجروح کرد و مردی از قبیله بنی ابان سر مبارکش را از بدن شریفش جدا ساخت. او دوّمین فرزند امّ البنین علیها السلام است که در روز عاشورا در سن بیست و سه سالگی به شهادت رسید.

### ۹ – جعفر بن علی بن ابی طالب علیهم السلام

امیرالمؤمنین علیه السلام به واسطه علاقه و محبّتی که به برادرش جعفر داشت، ایشان را جعفر نامید. مادرش فاطمه (امّ البنین)علیها السلام است. مورخان نوشته اند وقتی برادرانش، عبداللَّه و عثمان به شهادت رسیدند امام حسین علیه السلام جعفر را خواست و به او گفت به میدان جنگ بشتاب تا تو را مانند دو برادرم شهید ببینم. و شهادت تو را مانند دو برادر دیگرم به حساب خدا بگذارم؛ زیرا شما فرزندی ندارید. جعفر به میدان شتافت و به دشمن حمله کرد، شمشیر می زد و رجز می خواند تا این که خولی بن یزید و به قولی دیگر هانی بن ثبیت ایشان را در سن بیست و یک سالگی به شهادت رساند.

### ۱۰ – ابوبکر بن علی بن ابی طالب علیهم السلام

ابوبکر نامش محمد اصغر یا عبداللَّه میباشد و مادرش لیلا دختر مسعود بن خالد است. حضرت علی علیه السلام فرزند دیگری به نام محمّد داشت که از ایشان بزرگ تر بود لذا

وی را محمّـد اصـغر نامیدنـد. برخی روایت کرده اند که ابوبکر بن علی به میدان تاخت و به جنگ پرداخت، رجز می خواند و به کارزار ادامه می داد تا این که گروهی او را شهید کردند.

### ۱۱- جعفر بن عقیل بن ابی طالب علیهم السلام

پـدرش، عقیـل برادر علی علیه السـلام است. برخی گفته انـد: مـادرش در واقعه کربلاـ حضور داشت. جعفر در روز عـاشورا به میدان جنگ شتافت و در حالی که مادرش جلوی خیمه ایستاده بود و او را نظاره می کرد به شهادت رسید.

### ۱۲ - عبدالرَّحمان بن عقیل بن ابی طالب علیهم السلام

پس از شهادت اصحاب، عبدالرّحمان در حمله آل ابی طالب علیهم السلام شرکت داشت. او می جنگید و رجز می خواند. بعد از نبرد سختی گروهی او را محاصره کردند و به شهادت رساندند.

### ۱۳ - عون بن عبداللّه بن جعفر بن ابی طالب علیهم السلام

مادرش زینب کبری علیها السـلام دختر امیرالمؤمنین علیه السـلام است. مورّخین نوشته اند: هنگامی که امام از مکّه خارج شد، عبداللّه بن جعفر (همسر حضرت زینب علیها السلام) از مدینه به حضرت نامه ای نوشت که ایشان را از این سفر منصرف کند. این نـامه را توسـط عون و محمّـد فرزنـدان خود به حضور امـام علیه السـلام فرسـتاد. ایشـان در وادی عتیق به خـدمت امام علیه السـلام رسیدند، عبد اللّه خود نیز از فرماندار مدینه امان نامه ای برای امام علیه السلام گرفت و در منطقه ای بنام «ذات عرق» به امام علیه السـلام رساند، حضـرت در جواب فرمودند: «رسول خداصلی الله علیه وآله را در خواب دیدم که مرا امر به ادامه سفر کرده است.» عبداللّه پسـرانش را به حسـین علیه السـلام سپرد و خود عذر خواهی نمود. در روز عاشورا عون به میدان شتافت و رجز می خواند و شمشیر می زد تعدادی را به قتل رساند سپس شمشیری بر او فرود آمد و به شهادت رسید.

### ۱۴ - محمّد بن عبد اللّه بن جعفر بن ابی طالب علیهم السلام

محمّد پیش از

برادرش عون بن عبـداللَّه به میـدان رفت و رجز خواند، تعدادی را به هلاکت رساند، دسـته جمعی به او حمله کردند و عامر بن نهشل او را به شهادت رساند.

### ۱۵ – عبد اللَّه بن مسلم بن عقیل بن ابی طالب علیهم السلام

رقیه دختر امیرالمؤمنین علیه السـلام مادر عبداللَّه بن مسـلم است. او در کربلا حضور داشت. عبداللَّه به میدان نبرد رفت و حمله نمود. تعـدادی را به قتل رسانـد، سـپس عمرو بن صبیـح پیشانی او را هـدف قرار داد و تیری رها کرد، عبـداللَّه دسـتش را روی صـورتش گـذاشت کـه از اصـابت تیر جلـوگیری کنـد. تیر آمـد و دست را به پیشـانی اش دوخت. خـواست دسـتش را بردارد نتوانست. عمرو با تیری قلب عبداللَّه را نشانه گرفت و او را به شهادت رساند.

### ۱۶ – محمد بن مسلم بن عقیل بن ابی طالب علیهم السلام

اولاد ابی طالب علیه السلام پس از شهادت عبداللَّه بن مسلم، دسته جمعی حمله کردند. امام حسین علیه السلام فریاد زد: «برای رسیدن به شهادت شکیبا و صبور باشید.» در این حمله محمّد بن مسلم به شهادت رسید.

### ۱۷ – محمّد بن ابی سعید بن عقیل بن ابی طالب علیهم السلام

بعد از شـهادت امام حسـین علیه السـلام در حالی که دشـمنان به سوی خیمه ها حمله می کردند، محمّد از خیمه بیرون آمده و مات و مبهوت به اطراف نگاه می کرد که ناگهان هانی بن ثبیت به او نزدیک شده و با شمشیر او را به دو نیم کرد این کودک هفت سال داشت و دشمن او را در مقابل چشمان مادر به شهادت رسانید.

## فصل دوّم: شـــهدایی که از قبایل مختلف، نامشان در کتاب های معتبر تاریخی آمـــده و در روز عاشورا به فوز شـــهادت نایل آمده اند، عبارتند از:

### شهدای از قبایل مختلف

### ۱ و ۲ – ابو الحُتوف و برادرش سَعد بن حارث انصاری عجلانی

این دو برادر قبل از واقعه کربلا در گروه خوارج و در محله محکمه کوفه

بودنـد. آنها همراه با عُمر بن سـعد برای جنگ با امام علیه السـلام از کوفه خارج شدنـد و در روز عاشورا چون صدای اسـتغاثه حضـرت بلند شد که می فرمود: «آیا کسـی نیست که به ما کمک کند؟» زنان و کودکان ندای امام علیه السـلام را شنیدند و با صدای بلند گریه کردند. این دو برادر که اسـتغاثه امام علیه السلام و گریه و زاری خانواده او را شنیدند از سپاه ابن سعد خارج شـده و به کمک امام علیه السـلام شـتافتند و به دشـمنان او حمله کردنـد و گروهی را زخمی نمودنـد تا آن که هر دو با هم به شهادت رسیدند.

## ۳ – اَبُو الشَّعْثای کِندی

نام او یزید بن زیاد می باشد وی مردی شـریف، دلیر، جسور و تیرانداز ماهری بود. وی پیش از ملاقات امام حسـین علیه السلام با حرّ از کوفه به سوی آن حضـرت رفت. ابو الشـعثاء در روز عاشورا سواره می جنگیـد چون اسـبش زخمی شد، روی زانو در محضـر امام علیه السـلام نشست و تیرهای فراوانی به طرف دشمن پرتاب کرد. چون تیرانداز ماهری بود فقط پنج تیرش به خطا رفت و جمعی از آنان را به هلاکت رسانـد. امام حسـین علیه السـلام درباره ایشان فرمودنـد: «خـدایا تیرش را به هدف برسان و بهشت را پاداش او قرار بده.» چون تیر هایش تمام شد از جا، برخاست و با شمشیر جنگید، تا به شهادت رسید.

## ۴ – ابو ثُمامه صائدی

وی از چهره های سرشـناس شـیعی کوفه، مردی آگاه و شـجاع و اسـلحه شـناس بود. مسـلم بن عقیل علیه السـلام در ایام بیعت گرفتن از مردم برای نهضت حسـینی، او را مسؤول دریافت اموال و خرید اسـلحه قرارداده بود. نامش عمرو بن عبداللّٰه بن کعب و از تابعین (مسلمانانی که در زمان پیامبر نبودند ولی محضر یکی از صحابه پیامبر را درک نموده و مؤمن از دنیا رفته اند) بود.

پیش از شـروع درگیری های کربلا خود را از کوفه به کربلا رساند و به امام علیه السـلام پیوست. روز عاشورا که یاران حسـین بن علی علیهما السلام به تدریج

شهید می شدند و از تعدادشان کاسته می شد و این کاهش نیز محسوس بود؛ ابوثمامه هنگام ظهر خدمت امام علیه السلام آمد و گفت: جانم فدای تو! چنین می بینم که دشمنان به تو نزدیک شده اند.

به خدا قسم کشته نخواهید شد مگر آن که من پیش از شما کشته شوم. دوست دارم خدای خویش را در حالی دیدار کنم که این نماز را که وقتش نزدیک شده بخوانم. امام علیه السلام نگاهی به بالا افکند، فرمود: «نماز را به یاد آوردی، خدا تو را از نمازگزاران ذاکر قرار دهد. آری، اینک اوّل وقت نماز است.»

مهلتی از سپاه دشمن خواستند. آن گاه ابوثمامه و جمعی دیگر با امام حسین علیه السلام نماز جماعت اقامه نمودند. سپس او به جنگ با سپاه عمر بن سعد رفت. بر تنش جراحات زیادی وارد شد و در این احوال مردی به نام قیس بن عبداللّه صائدی که پسر عموی او بود و با او سابقه دشمنی داشت او را به شهادت رسانید. شهادت او بعد از شهادت حر بن یزید ریاحی بود.

## ۵ و ۶ – ابو خالد عَمرو بن خالد اسدی و غلامش سعد

عمرو از بزرگان کوفه و شیعیان مخلص بود که همراه مسلم علیه السلام قیام کرد و پس از خیانت مردم کوفه متواری شد. سپس در جریان قیس بن مسّهر، او به اتفاق غلامش سعد (که مردی بزرگوار، محترم و بلند همت بود) و تنی چند با مشقّت، خود را به امام علیه السلام رساندند.

هنگامی که حرّ آنان را دید به امام علیه السلام گفت: این چند نفر جزء یاران شما نیستند من آنان را زندانی می کنم و یا بر می گردانم. امام علیه السلام در جواب فرمودند: «من از آنان مانند جان خود نگهداری و دفاع می کنم، پس از مشاجراتی، حر کوتاه آمد و در حمله اوّل عمرو به اتفاق همان چند تنی که با هم از کوفه آمده بودند به سپاه دشمن حمله ور شدند و جنگیدند اما در محاصره دشمن قرار گرفتند که حضرت عباس علیه السلام به

کمک آنان رفت و آنان را از محاصره بیرون آورد. در برگشت مورد حمله مجدد قرار گرفتند. با وجود زخم های زیادی که بر بدن آنان وارد شده بود آن قدر جنگیدند تا به شهادت رسیدند.

### ۷ – ابو عمره زیاد همدانی صائدی

نامش زیاد بن عریب است که مردی دلیر، متهجّد و پرهیزکار بود. پدر او از اصحاب پیامبرصلی الله علیه وآله و خود او نیز دوران پیامبر را درک کرده بود. روز عاشورا هر بار بر سپاه دشمن حمله می کرد، آن ها را پراکنده می ساخت و سپس به خدمت امام علیه السلام می رسید و دوباره به میدان بر می گشت. سرانجام یکی از سپاه دشمن به او حمله کرد و سرش را از تن جدا نمود.

### ۸ – ادهم بن امیه عبدی

از شیعیان بصره بود که در منزل ماریه بنت منقذ (ماریه زنی از شیعیان بصره بود که خانه او محل اجتماع و تصمیم گیری شیعیان بود) نیز حضور می یافت. ادهم با یزید بن ثُبیط از بصره به مکّه آمد و به امام علیه السلام پیوست و روز عاشورا در حمله اوّل به شهادت رسید.

ص:۱۹

## ۹ – اسلم بن عمرو (غلام حسین بن علی علیهما السلام)

اسلم از خدمت گزاران سیّدالشهداعلیه السلام بود. هنگامی که به میدان می رفت این چنین رجز می خواند: «امیر من، حسین است و چه نیکو امیری است. او مایه سرور و شادی قلبِ پیامبر بشارت دهنده و ترساننده می باشد.» بعد از نبرد با دشمن در لحظه شهادتش امام علیه السلام به بالین او آمد و صورت مبارک خود را به صورت او گذاشت. در همین حال اسلم گفت: «کیست مثل من که حسین صورت بر صورتش گذاشته باشد.» آن گاه روح از بدنش پرواز کرد.

## ۱۰ – اُمیّه بن سعد طائی

امیّه از یاران علی علیه السلام و از تابعین بود که در کوفه زندگی می کرد، چون خبر آمدن امام علیه السلام را شنید پیش از شروع درگیری به سوی او رفت و برای دفاع از حق اعلام آمادگی نمود. سرانجام در آغاز جنگ یعنی حمله نخست به شهادت رسید.

## ۱۱ – اَنَس بن حارث

انس از بزرگان صحابه می باشد. او به خوبی به یاد داشت که رسول اکرم صلی الله علیه وآله فرموده بودند: «این، پسرم حسین در سرزمینی از کشور عراق شهید خواهد شد. آگاه باشید هرکه آن لحظه را درک کرد، او را یاری نماید.» انس وقتی متوجه شد که امام علیه السلام در عراق است به همراه عدّه ای از کوفه عازم کربلا شد و در روز عاشورا به میدان رفت. رجز خواند و نبرد کرد تا این که به شهادت رسید.

## ۱۲– بُرَیْر بن خُضَیر هَمْدانی

وی از اصحاب وفادار امام حسین علیه السلام و از انسان های شایسته، پرهیزگار، زاهد، قاری، معلم قرآن و از شجاعان بزرگوار کوفه از قبیله "هَمْـدان" بود. بُرَیر از تابعین (یعنی مسلمانانی که در زمان پیامبر نبودند ولی محضر یکی از صحابه پیامبر را درک نموده و مؤمن از دنیا رفته اند) به شمار می رفت و به عنوان "سیّدالْقَرّا" معروف بود. وی در میان قبیله هَمْدان ارزش و منزلتی داشت. در کوفه مشهور و مورد احترام بود. بسیار تلاش نمود که عمر سعد را از دوستی و همدلی با حکومت اموی باز دارد ولی موفّق نشد. وی در سال شصت هجری از کوفه به مکّه رفت و به یاران امام علیه السلام پیوست و همراه آن ها به کوفه آمد. روز تاسوعا از خوشحالی این که به شهادت خواهد رسید با عبدالرّحمن بن عبد رَبّه شوخی می کرد. شب عاشورا نیز از جمله کسانی بود که برخاست و در حمایت از امام علیه السلام سخنانی ایراد کرد. در کربلا چندین بار خطاب به دشمن سخنرانی ها نمود. سخنان او، حاکی از وفاداری وی نسبت به سیّد الشّهداعلیه السلام معروف است. روز عاشورا به میدان رفت و در برابر سپاه عمر بن سعد خطابه ای ایراد کرد و به نکوهش آنان پرداخت. بُریر پس از حر به میدان رفت و جنگید تا شهید شد.

## ۱۳ – بِشر (بشیر) بن عمرو حَضْرَمی

قبل از شهادت جوانان

بنی هاشم، فقط دو نفر از یاران امام حسین علیه السلام باقی مانده بودند. یکی از آن دو، بِشر نام داشت. او انسانی پایدار، بصیر، باوفا و از مردم "حَضْرَ مُوتِ" یمن بود. در کربلا خود را به کاروان امام حسین علیه السلام رساند.

روز عاشورا در حالی که مشغول جنگیدن بود به او گفته شد: «پسرت عمر در مرزهای ری اسیر شده است.» بشر گفت: «حساب خودم و او را به خدا واگذار می کنم و دوست ندارم بعد از اسیری پسرم زنده باشم». امام علیه السلام این حرف را شنید و گفت: «خدا رحمتت کند. من بیعتم را از تو برداشتم. برو و در آزادی پسرت کوشش کن.» ولی بِشر گفت: «درندگان، زنده زنده مرا بخورند، اگر از تو جدا شوم!» بنا به نقلی او در حمله نخست به شهادت رسید.

## ۱۴ – بکر بن حی تیمی

وی ابتدا در سپاه عمر سعد بود و قصد جنگ با امام علیه السلام را داشت، اما روز عاشورا به سپاه امام علیه السلام پیوست و در حمله اوّل به شهادت رسید.

## ۱۵ – جابر بن حَجّاج (غلام عامر بن نَهشل)

وی از سوارکاران شجاع و جنگجوی دلیر کوفه بود که به همراه امام علیه السلام در کربلا حاضر شد. تا این که در حمله نخست، پیش از ظهر به شهادت رسید.

## ۱۶ – جبّله بن علی شیبانی

جبّله از دلیران کوفه بود که همراه مسلم علیه السلام قیام کرد و سپس به یاران امام علیه السلام پیوست و در حمله نخست شهید شد.

## ۱۷ – جُنادَه بن حارث سلمانی

جناده از بزرگان مشهور شیعه و از یاران امام علی علیه السلام بود او با مسلم بن عقیل علیه السلام در شهر کوفه بیعت کرد ولی چون عهد شکنی مردم را دید همراه با غلام پدرش (واضح ترکی) و جماعتی دیگر به سوی امام حسین علیه السلام حرکت کردند. روز عاشورا جناده و همراهانش به محاصره دشمن در آمدند.

گرچه حضرت عباس علیه السلام آن ها را نجات داد ولی آن ها حاضر نشدند که سالم برگردند لذا جنگیدند و همه با هم به شهادت رسیدند.

ص:۲۱

## ۱۸ – جُنادَه بن کَعْب بن حارث انصاری

او از کسـانی بود که همراه امـام علیه السـلام از کعبه بیرون آمـد و خـانواده اش نیز همراه وی بودنـد. هنگامی که حادثه کربلا پیش آمد او به سوی میدان جنگ شتافت. سپس در حمله نخست، به فیض شهادت نائل گردید.

## ۱۹ – جُنْدَب بن حُجَیر کِنْدی خولانی

جنـدب از بزرگان شـیعه و از یاران امیرالمؤمنین علیه السـلام بود. او پیش از رسـیدن حُرّ به امام علیه السـلام پیوست و به کربلا آمد. جندب به میدان رفت و در اوائل درگیری به شهادت رسید.

## ۲۰– جُون بن حَوی (غلام ابی ذر غفاری)

جون پس از شهادت مولایش ابی ذر، به مدینه برگشت و در خدمت امام حسن و امام حسین علیهما السلام بود. از مدینه همراه امام علیه السلام تا مکّه و از آنجا به کربلا آمد.

با آن که سن او زیاد بود ولی در روز عاشورا از سـید الشّهداعلیه السلام اذن میدان طلبید امّا امام علیه السلام به او اجازه داد که از صـحنه جنگ بیرون برود و آزاد باشد ولی او با اصرار، می خواست در روزهای شادی وغم و رنج، از خاندان پیامبرصلی الله علیه وآله جدا نشود به امام علیه السـلام عرض کرد: «گر چه نَسَبَم پَست، بُویم ناخوش و چهره ام سیاه است، ولی می خواهم به بهشت بروم و شرافت یابم و رو سفید شوم از شما جدا نمی شوم تا خون سیاهم با خون های شما آغشته شود.»

پس از نبردی سـخت، وقتی بر زمین افتاد، امام علیه السـلام خود را به بالین او رساند و چنین دعا کرد: «خدایا رویش را سفید و بویش را معطر کن و او را بـا نیکـان محشور گردان.» به دعای امام علیه السـلام بویش معطر گشت. امام باقرعلیه السـلام از امام سجادعلیه السـلام روایت می کنـد که پس از عاشورا چون بنی اسـد برای دفن شـهیدان به میـدان آمدند، پس از چند روز بدن جون را در حالی یافتند که بوی مُشک از آن به مشام می رسید.

## ۲۱ – جُوَیْن بن مالک (ضَبعی)

او شیعه و در میان قبیله بنی تمیم بود.

ص:۲۲

او از توّابین شب عاشورا می باشد. جوین به قصد پیکار با امام حسـین علیه السـلام به کربلا آمده و در سپاه عمر سعد بود. ولی در شب عاشورا به سپاه حسینی پیوست. و در رکاب امام علیه السلام جنگید و در حمله اوّل به شهادت رسید.

### ۲۲ – حارث بن اِمْرَءُ القِیس کِندی

حارث از دلیران متعبّد بود. همراه سپاه ابن سـعد به قصد جنگ با امام علیه السلام به کربلا آمد. ولی زمانی که سپاه کوفه امام علیه السلام را محاصره کردند و کلامش را نپذیرفتند او به دفاع از امام علیه السلام به سپاه حسینی پیوست و در روز عاشورا در حمله اوّل به شهادت رسید.

### ۲۳ – حارث بن بنهان (غلام حمزه بن عبد المطلب)

بنهـان غلام حمزه، مردی شـجاع و سوار کار بود. حارث پسـر بنهان پس از حضـرت علی و امام حسن مجتبی علیهما السـلام به امام حسین علیه السلام پیوست و با حضرت به کربلا آمد و در حمله نخست به شهادت رسید.

### ۲۴ – حباب بن عامر بن کعب

از شـیعیان کوفه بود که با مسلم بیعت کرد. پس از شهادت مسلم، به سوی امام حسین علیه السلام رفت و در راه با آن حضرت روبرو شد و همراه او بود تا این که در حمله نخست به شهادت رسید.

### ۲۵ – حبشی بن قیس نهمی

او صـحابی بوده و دوران پیامبرصـلی الله علیه وآله را نیز درک کرده است. حبشـی از کسـانی است که قبـل از شـروع جنگ با گروهی در کربلا به خدمت امام علیه السلام رسید. و همراه آن حضرت به شهادت رسید.

### ۲۶ – حبیب بن مظاهر (مظهّر)

از اصحاب رسول خداصلی الله علیه وآله است. فقیهی بزرگوار و از یاران خاص و فرا گیرندگان علوم، در نزد علی علیه السلام بود. در تمـام جنگ ها در خـدمت آن حضـرت شمشـیر زده است. حبیب در شـهر کوفه از مردم برای امام حسـین علیه السـلام بیعت می گرفت.

پس از شـهادت مسلم بن عقیل علیه السلام در کوفه مخفیانه خود را به لشکر ابی عبداللّه علیه السلام رساند. فرمانده جناح چپ امام در کربلا بود وی در روز

عاشورا تعدادی از دشمنان را به هلاکت رسانده و سپس خود به شهادت رسید، دشمنان سر مبارکش را به گردن اسبی آویختند و در میان لشکر گرداندند.

## ۲۷ – حَجّاج بن بدر

حَجّاج اهل بصره بود. وقتی امام علیه السلام به اشراف و رؤسای قبیله بنی سعد و بنی تمیم از جمله، مسعود بن عمر جهت یاریش نامه نوشت، حجاج بن بدر که آماده حرکت به سوی امام علیه السلام بود از طرف مسعود جواب نامه امام را به خدمت آن حضرت در کربلا رساند و در آنجا ماند تا این که در روز عاشورا در رکاب مولایش به شهادت رسید.

## ۲۸ – حَجّاج بن مَسْروق

حَجّاج از یاران علی علیه السلام و از شیعیان خالص کوفه بود. وی از کوفه خود را به امام حسین علیه السلام در مکه رساند و همراه امام علیه السلام به کربلا آمد.

مؤذن سیّد الشهدا بود. روز عاشورا به میدان رفت و رَجَز خواند. در حالی که غرق در خون بود، برگشت. حضرت به او فرمود: «من هم پشت سر تو به ملاقات جد و پدرم نایل خواهم شد.» سپس حجّاج دوباره به میدان رفت و جنگید تا به شهادت رسید.

## ۲۹– حر بن یزید ریاحی

حر از خاندان معروف عراق و از رؤسای کوفیان بود. به درخواست ابن زیاد، برای مبارزه با امام حسین علیه السلام فرا خوانده شد و به سرکردگی هزار جنگجو برگزیده شد. گفته اند: وقتی از دارُ الاِماره کوفه با مأموریت بستن راه بر امام حسین علیه السلام بیرون آمد ندایی شنید که: «ای حر! مژده باد تو را به بهشت! برگشت ولی کسی را ندید. با خود گفت: این حرف درست نمی باشد، جنگ با حسین و بهشت؟!» او در منزل "قَصْرِ بنی مَقاتِل" راه را بر امام علیه السلام بست و مانع از حرکت آن حضرت به سوی کوفه شد. کاروان حسینی را همراهی کرد تا به کربلا رسیدند و امام علیه السلام در آنجا فرود آمد.

حر وقتی فهمید کار جنگ با امام علیه السلام جدّی است، صبح عاشورا به بهانه آب دادن به اسب خویش، از اردوگاه عمر سعد جدا شد و به کاروان امام حسین علیه السلام و جبهه حق پیوست. توبه کنان، کنار خیمه امام علیه السلام آمد و اظهار پشیمانی نمود. سپس اذن میدان طلبید. این انتخابِ شگفت و برگزیدن راه بهشت بر دوزخ، از حر چهره ای دوست داشتنی و قهرمان ساخت. حر با اذن امام به میدان رفت و در خطاب های مؤثّر سپاه کوفه را به خاطر جنگیدن با امام حسین علیه السلام توبیخ کرد. چیزی نمانده بود که سخنان او گروهی از سربازان عمر سعد را تحت تأثیر قرار داده و از جنگ با سیّد الشهداعلیه السلام منصرف سازد که سپاه عُمر سعد او را هدف تیرها قرار دادند.

ایشان نزد امام بازگشت و پس از لحظاتی دوباره به میدان رفت و در حالی که رجز می خواند به مبارزه پرداخت. پس از نبردی دلیرانه به شهادت رسید. امام علیه السلام بر بالین حرّ آمد و خطاب به آن شهید فرمود: تو همان گونه که مادرت نامت را حرّ گذاشته است، حرّ و آزاده ای، آزاد در دنیا و سعادتمند در آخرت. و سپس دست بر چهره اش کشید. امام علیه السلام با دستمالی سر حرّ را بست. پس از عاشورا بنی تمیم او را در فاصله یک میلی (مسافتی که اندازه آن تا آنجاست که چشم می بیند.) از حرم امام علیه السلام دفن کردند، همان جا که قبر کنونی اوست. نقل است که شاه اسماعیل صفوی قبر حرّ را گشود و پیکرش را سالم یافت، چون خواست پارچه ای را که بر سرش بسته شده بود باز کند، خون جاری شد و دوباره آن را بست. آن گاه بر قبرش قبه ای ساخت.

### ۳۰ – حَنظله بن اَسْعَد شبامی

حَنظله از چهره های شیعی در کوفه، زبان آور، شجاع و معلم قرآن بود. چون سیّد الشهداعلیه السلام به کربلا رسید ایشان به آن حضرت پیوست. وی جزو شهدایی است که تا ظهر عاشورا

زنده بود و از جان حسین بن علی علیهما السلام در مقابل تیرها و نیزه های دشمن محافظت می کرد و گاهی هم با سخنانش به سپاه کوفه هشدار می داد و موعظه می کرد روز عاشورا پس از شـهادت جمعی از یاران، از حضـرت رخصت طلبید و در حالی که به میدان می رفت خطاب به امام علیه السـلام گفت: «درود بر تو ای ابا عبداللّه، صلوات خدا بر تو و خانواده ات. ملاقات ما و شـما در بهشت باد». امام علیه السلام فرمودند: «آمین، آمین» سپس با شمشیر به دشمن حمله کرد تا این که گروهی متوجه او شدند و او را در شدّت و بحران جنگ به شهادت رساندند.

## ۳۱ – رافع بن عبداللّه (غلام مسلم بن کثیر)

رافع به همراه مولایش (مسـلم) از کوفه خارج شد و نزدیک فرود آمدن امام علیه السلام در کربلا به آن حضرت پیوست. رافع در میدان جنگ حاضر شد و پس از مسلم بعد از نماز ظهر و در جنگ تن به تن به شهادت رسید.

## ۳۲ – زاهر بن عَمرو بن حَمِقْ کندی

زاهر پهلوانی با تجربه بود که شـجاعتش زبانزد عام و خاصّ و محبّتش به اهل بیت علیهم السـلام معروف بود. پـدرش عمرو بن حمق از یاران ویژه امیرالمؤمنین علیه السـلام بود و در قیامی که علیه ابن زیاد کرد به دست معاویه به شـهادت رسـید. زاهر، هم دوش و همراه پدرش بود و تحت تعقیب معاویه قرار داشت. در سال شـصت هجری به مکّه آمد و به کاروان حسـینی پیوست و در حمله اوّلِ روز عاشورا به شهادت رسید.

## ۳۳ – زُهَیر بن سلیم اَزْدی

زُهیر و خانـدانش از یاران امام علی علیه السـلام بودنـد و در میـدان های جنگ رشادتها نشان دادنـد. گویند او شب عاشورا به کربلا آمد و چون تصـمیم قطعی سپاه کوفه را بر جنگ با سیّد الشهداعلیه السلام دید از عُمر سعد جدا شد و به کاروان حسینی پیوست و در رکاب امام شهید شد.

## ۳۴ – زُهَیر بن قَین بَجَلی

از شخصیت های برجسته و شجاع کوفه بود. وی در جنگ های مختلف دلاوری های بسیاری از خود نشان داد. ابتدا نیز هوادار جناح عثمان بود اما توفیق یافت که نیک فرجام شده و از شهدای عالی مقام کربلا شود. وی در سال شصت هجری (که امام علیه السلام از مکّه به قصد کوفه حرکت کرده بود) از سفر حج بر می گشت و دوست نداشت با امام برخورد کند و هم منزل شود.

امّا در یکی از منزلگاه ها به ناچار، فرود آمدنش با فرود آمدن کاروان حسینی همزمان شد. امام علیه السلام توسط شخصی برای او پیام فرستاد. زُهیر ابتدا بی توجهی نشان داد اما همسرش او را تشویق کرد تا برود و ببیند خواسته امام علیه السلام چیست. او نزد امام رفت. کلمات امام آتشی در دل او افروخت که از " عثمانی " بودن به " حسینی " بودن تبدیل شد. همسرش نیز همراه او آمد و به کاروان حسینی پیوست. وقتی سپاه حر، راه را بر امام علیه السلام بستند، زهیر با اجازه امام علیه السلام با آنان سخن گفت و به امام علیه السلام پیشنهاد کرد که با آنان بجنگد ولی امام نپذیرفت. شب عاشورا نیز از جمله کسانی بود که با نطقی پُر شور مراتب اخلاص، حمایت و جانبازی خویش را نسبت به امام علیه السلام ثابت کرد و گفت: «اگر هزار بار کشته شوم و زنده گردم، هرگز دست از یاری پسر پیامبر بر نخواهم داشت». روز عاشورا فرماندهی جناح راست که با امام علیه السلام بود به او سپرده شد و پس از امام اولین کسی بود که سواره و غرق در سلاح مقابل دشمن رفت و به نصیحت آنان پرداخت. شمر به طرف او تیری افکند. گفت و گو هایی بین او و شمر انجام گرفت. ظهر عاشورا او و سعید بن عبداللّه در مقابل امام علیه السلام ایستادند و سپر تیرها شدند تا امام نماز خواندند. پس از اتمام نماز به میدان رفت و شجاعانه نبرد کرد و به شهادت رسید. امام علیه السلام بر سر بالین او آمد، و او را دعا و کُشندگانش را نفرین نمود.

ص:۲۷

## ۳۵ – عامر بن مسلم ۳۶– سالم (غلام عامر بن مسلم)

عامر از شیعیان بود و با غلامش سالم که از شیعیان بصره و از تابعین مورد اطمینان بود، به همراه برخی دیگر در مکّه به خدمت امام آمدند و با سیّد الشهداعلیه السلام به کربلا رفتند. عامر و سالم هر دو در حمله اوّل به شهادت رسیدند.

## ۳۷ – سالم بن عَمرو (غلام بنی المدینه)

وی غلامی از طایفه بنی المدینه و از شیعیان کوفه بود. سالم سوار کاری نامدار بود. در نهضت حضرت مسلم بن عقیل شرکت داشت. پس از شهادت مسلم، او و جمعی دیگر از شیعیان دستگیر شدند، اما ایشان از چنگ دشمن گریخت و پنهان شد. چون شنید امام علیه السلام به کربلا رسیده است، خود را به آن حضرت رساند و روز عاشورا در حمله اوّل به شهادت رسید.

## ۳۸ – سعد بن حارث

سعد غلام حضرت علی، امام حسن و امام حسین علیهم السلام بود. که از مدینه به مکّه و از آنجا همسفر امام حسین علیه السلام شد و در حمله نخست به شهادت رسید.

## ۳۹ – سعید بن عبداللّٰه حنفی

سعید از بزرگان، رزمندگان، زاهدان شیعه و هواداران سر سخت اهل بیت علیهم السلام بود. او به همراه هانی بن هانی، سوّمین نامه کوفیان را در مکّه به امام علیه السلام رساند و جواب نامه حضرت را به کوفه برگرداند. مسلم بن عقیل نیز از کوفه به وسیله ایشان برای امام علیه السلام نامه فرستاد. او همراه امام در مکّه ماند تا به کربلا آمدند و شب عاشورا وقتی سیّد الشهداعلیه السلام از افراد خواست که از تاریکی شب استفاده کرده و متفرق شوند، یاران هر یک برخاستند و سخنانی گفتند. از جمله سعید بن عبد اللّٰه حنفی ایستاد و گفت: «نه به خدا قسم، تو را وا نمی گذارم تا خداوند بداند که ما در نبود رسول خداصلی الله علیه وآله حق او و ذرّیه اش را مراعات کردیم. به خدا سوگند، اگر بدانم که کشته می شوم سپس زنده شده، آن گاه سوزانده شوم و هفتاد بار دیگر مرا چنین کنند، باز هم

از تو جدا نمی شوم تا در راه تو فدا شوم، چگونه چنین کنم، با آن که بیش از یک بار کشته نمی شوم و پس از آن به کرامت ابدی و بی پایان خواهم رسید».

این نشان دهنده عمق ایمان و اخلاص او در راه یاری حق و عترت پیامبرصلی الله علیه وآله است. ظهر عاشورا جنگ سختی در گرفت. هنگامی که امام علیه السلام در حال اقامه نماز ظهر بود، دشمن به حضرت نزدیک شد، سعید مقابل امام ایستاد و هدف تیر دشمنان قرار گرفت، از چپ و راست به او تیر می زدند. با صورت، سینه، دست ها و پهلو به استقبال تیرها می رفت تا این که به زمین افتاد و به شهادت رسید.

### ۴۰ – سلمان بن مُضارب بَجَلّی

او به همراه پسرعمویش، «زُهَیرِ بنِ قَین» به حج آمده بود. چون زهیر در بین راه به امام حسین علیه السلام پیوست، او هم جزو یاران امام علیه السلام شد و به کربلا آمد و روز عاشورا بعد از نماز ظهر قبل از زهیر به شهادت رسید.

### ۴۱ – سُوَید بن عَمرو خَثْعمی

ایشان پیر مردی عابد، کثیر الصّلاه، شریف، شجاع و جنگجو بود. در برابر بلاها و سختی ها بسیار مقاوم بود. آخرین کشته میدان نبرد کربلاست و پس از شهادت امام علیه السلام، شهید شد. او در میدان جنگ در بین زخمیان مجروح افتاده بود و رمقی نداشت، در آن حال چون شنید کوفیان شادی کنان می گویند: «حسین کشته شد» به هوش آمد و با چاقویی که پنهان کرده بود به دشمن حمله کرد. ساعتی با آنان جنگید و سپس به فیض شهادت نایل گشت.

### ۴۲ – سیف بن حارث بن سریع ۴۳ – مالک بن عبد اللّه بن سریع

این دو پسر عمو هستند. در روز عاشورا در حالی که می گریستند به خدمت امام علیه السلام رسیدند. ایشان فرمود: «چرا گریه می کنید؟» آن دو گفتند: «فدایت شویم، برای شما گریه می کنیم که در محاصره دشمن هستید.

ما بیش از جانمان، چیزی نداریم تا با آن از شما حمایت کنیم.

ص:۲۹

امام علیه السلام فرمود: «خداوند از بابت علاقه و هم دردی تان، نیکوترین پاداشِ پارسایان را به شما بدهد. این دو به سرعت و با هم به سوی دشمن شتافتند و آن قدر جنگیدند تا به شهادت رسیدند.

### ۴۴ – سیف بن مالک عبدی بصری

سیف از شیعیانی بود که در اجتماع خانه ماریه شرکت می کرد و با یزید بن ثُبیط به سوی حسین علیه السلام رفت و به او ملحق شد و همراه آن حضرت بود تا این که بعد از نماز ظهر در جنگ تن به تن به شهادت رسید.

### ۴۵ – شبیب بن عبداللّٰه (غلام حارث بن سریع)

وی از شجاعان کوفه بود که در کربلا همراه سیف و مالک به امام حسین علیه السلام پیوست. از صحابه پیامبرصلی الله علیه وآله بود و همراه امام علی علیه السلام نیز در جنگ های سه گانه شرکت داشت. شبیب پیش از ظهر عاشورا به شهادت رسید.

### ۴۶ – شُؤذَب بن عبداللّٰه شاکری (غلام عابِس)

او از بزرگان شیعه، جنگجویان انگشت شمار، حافظ و حامل حدیث از امام علی علیه السلام بود و مردم شیعه برای اخذ حدیث به خدمت وی می رسیدند. ایشان همراه مولایش، در مکه با سپاه امام حسین علیه السلام بود از او سؤال کردند که چه خواهی کرد؟ گفت: «در کنار پسر دختر رسول خداصلی الله علیه وآله می جنگم تا کشته شوم.» او در روز عاشورا به میدان رفت و به شهادت رسید.

### ۴۷ – ضَرغامِ بن مالک

ایشان از شیعیان امام علیه السلام و بیعت کنندگان با مسلم بن عقیل بود. چون مسلم شهید شد همراه سپاه عُمر بن سعد به کربلا آمد اما در آنجا به خیل یاران سید الشهداعلیه السلام پیوست.

و روز عاشورا به شهادت رسید. ضَرغام در عرب به معنای شیر است و او همچون شیر درنده، در برابرِ اهل باطل می جنگید.

### ۴۸ – عابس بن ابی شبیب شاکری

از شخصیت های برجسته شیعه، عابد، شب زنده دار، سخن وری توانا و دلیر بود. قبیله بنی شاکر از

محبین واقعی علی علیه السلام بودند. امام درباره آنها در جنگ صفین فرمود: اگر تعداد آنها به یک هزار نفر می رسید، خداوند به شایستگی عبادت می شد. او در روز عاشورا به امام گفت: «ای حسین مطمئن باش به خدا سوگند، در روی زمین کسی نزد من محبوب تر و عزیزتر از تو وجود ندارد.» از شجاعت او همین بس که، کسی یارای جنگ تن به تن با او را نداشت، لذا در میدان جنگ از هر طرف به سوی او سنگ پرتاب می شد. اینجا بود که عابس نیزه و زره خود را کنار گذاشت و با شمشیر به جنگ دشمن رفت. تعداد زیادی از افراد دشمن او را محاصره کردند و سرش را بریدند. سر او در دست چند نفر میچرخید و هر کدام مدعی قتل او بودند تا این که پیش ابن سعد رفتند، او گفت: جرّ و بحث نکنید، یک نفر توان جنگیدن و کشتن عابس را ندارد، بلکه همه شما او را کشته اید.

## ۴۹ – عبد الرحمان بن عَبْدُ الرَّب انصاری

او از اصحاب رسول خداصلی الله علیه وآله و یاران با اخلاص امام علی علیه السلام بود. از کسانی است که به حادثه غدیرخم گواهی داد و گفت از رسول خداصلی الله علیه وآله شنیدم که فرمود: «آگاه باشید همانا خدای عزّوجلّ ولی من است و من ولی مؤمنین پس هر کس من مولای او هستم علی مولای اوست.» علی علیه السلام قرآن را به او تعلیم داد. او همراه امام حسین علیه السلام از مکّه به کربلا آمد و روز عاشورا در حمله اوّل به شهادت رسید.

## ۵۰ – عبد الرّحمان بن عبداللّه اَرْحَبی

مردی شجاع، موجّه، محترم و تابعی بود. از جمله کسانی است که اوّلین دعوت نامه کوفیان را به همراه قیس بن مسهّر به حضور امام علیه السلام در مکّه رساند. امام ایشان رابه همراه مسلم بن عقیل به کوفه فرستاد سپس عبدالرّحمان به خدمت امام در مکّه بازگشت و جزو یاران او بود تا این که روز دهم محرم آن وضع را دید و اذن قتال خواست و به میدان رفت، جنگید تا به شهادت رسید.

## ۵۱ – عبد اللَّه بن بشر خثعمی

عبداللَّه از افراد دلیر و حامی حقایق بود. او با سپاه ابن سعد به قصد جنگ با امام علیه السلام از کوفه حرکت کرد و سپس با گروهی قبل از شعله ور شدن آتش جنگ، به سپاه امام حسین علیه السلام ملحق شد و پیش از ظهر روز عاشورا در حمله نخست به شهادت رسید.

## ۵۲ و ۵۳ – عبد اللَّه و برادرش عبد الرّحمان بن عروه بن حراق غفاری

این دو برادر از دلیران کوفه، اشراف، صاحب خَدم و حَشم و برده بودند. جدّشان، حراق از یاران علی علیه السلام بود و در جنگ های آن حضرت شرکت داشت. چون یاران امام حسین علیه السلام کثرت دشمن را دیدند برای جنگیدن با آنان از یکدیگر سبقت می گرفتند. عبداللَّه و عبدالرّحمان خدمت امام رسیدند و گفتند: «سلام بر تو ای اباعبداللَّه! دشمن به ما نزدیک شده. اجازه بده تا از شما دفاع نمائیم و در برابر دیدگانت کشته شویم.» امام به آنان خوش آمد گفت و فرمود: نزدیک تر بیایید. پس آنان نزدیک تر آمدند و در کنار امام علیه السلام جنگیدند. یکی رجز می خواند و دیگری آن را تکمیل می کرد. جنگیدند تا هر دو در جنگ تن به تن به شهادت رسیدند.

## ۵۴ – عبداللَّه بن عُمیر کلبی

عبداللَّه پهلوانی دلیر، شریف، قامتی رسا و بازوانی ستبر داشت و جوانی دلاور و حماسی بود. مقیم کوفه شد و نزدیک چاه " جعد " از هَمْدان خانه ای برای خود تهیه کرد و با همسرش اُمِّ وَهَب زندگی را آغاز نمود. عبداللَّه گروهی را دید که در نخلستان های کوفه آماده ملحق شدن به امام حسین علیه السلام هستند. جریان را پرسید. آنان گفتند که به یاری امام علیه السلام می رویم و همچنین وقتی دید عمر سعد نیرو آماده و سازماندهی می کند تا به جنگ امام در کربلا برود، پیش خود گفت: به خدا قسم شیفته جهاد با مشرکان بودم. امیدوارم جنگیدنم با سپاه عمر سعد، نزد خداوند کم ثواب تر از جهاد با مشرکان نباشد.

سپس نزد همسرش رفت و نیت خود را با او در میان گذاشت. اُمِّ وَهَب گفت: «به حق رسیده ای، خدا توفیقت دهد مرا هم با خود ببر.» شبانه هر دو از کوفه بیرون رفتند و شب هشتم محرم، به یاوران امام علیه السلام در کربلا پیوستند.

پس از شهادت عبداللّه، همسرش خود را به بالین او رساند و خاک از چهره او زدود. شمر به یکی از غلامانش (به نام رستم) دستور داد تا با ستون خیمه بر سر او بزند. و او با عمود سر او را شکافت و در همان لحظه، جان به جان آفرین تسلیم کرد. بدین ترتیب زنی که در کربلا به فیض شهادت نایل آمد همسر عبداللّه می باشد.

## ۵۵ – عبّاد بن مهاجر بن ابی المهاجر

عباد یکی از کسانی بود که از آب های جُهَینه، به یاران امام حسین علیه السلام ملحق شد و به شهادت رسید.

## ۵۶ – عَقَبَه بن صَلْت جُهَنی

عقبه در میان راه مکّه به کربلا در یکی از منازل جُهَینه به یاران امام حسین علیه السلام ملحق شد و برخلاف عدّه ای، از آن حضرت جدا نشد تا در کربلا به شهادت رسید.

## ۵۷ – عمّار بن ابی سلامه

وی صحابی بوده و به دیدار پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله موفق شده است. همچنین از اصحاب علی علیه السلام بود و در سه جنگ: جمل، صفین و نهروان شرکت داشت. هنگامی که برای جنگ جمل همراه امام علی علیه السلام می رفت، از آن حضرت سؤال کرد: «وقتی با اصحاب جمل رو به رو شوی چه خواهی کرد؟» امام فرمودند: «آنها را به خدا و طاعت او دعوت می کنم و اگر نپذیرفتند، با آنها می جنگم.» عمار گفت: آن کس که مردم را به سوی خدا دعوت کند هرگز مغلوب نگردد. عمار در کربلا همراه گروهی در حمله اوّل به شهادت رسید.

## ۵۸ – عَمرو بن جُناده بن کَعْب

عمرو نوجوانی بود که به همراه پدر و مادرش به

کربلا آمد و بعد از شهادت پدر، به دستور مادرش به خدمت امام علیه السلام رسید و اجازه خواست که به میدان برود. امام اجازه نداد و او درخواست خود را تکرار کرد. امام فرمود: این نوجوان است و پدرش کشته شده است، ممکن است مادرش راضی نباشد، نوجوان گفت: به دستور مادرم آمده ام. لذا امام اجازه فرمود و او رهسپار میدان شد. پس از کشته شدن، سر او را از تن جدا کردند و به سوی امام انداختند. مادرش آن را گرفت و به طرف دشمن پرتاب نمود و به خیمه بازگشت و ستون خیمه را کشید تا با آن بجنگد امّا امام او را برگرداند.

## ۵۹ – عَمرو بن ضَبیعِه

او سواری پیشتاز بود که با عُمَر بن سعد به کربلا آمد و بعد به حلقه یاران امام علیه السلام پیوست و در روز عاشورا در حمله اوّل شهید شد.

## ۶۰– عَمرو بن قرظه انصاری

قرظه پدر عمرو از صحابه پیامبرصلی الله علیه وآله و یاران علی علیه السلام بود. عمرو پیش از شعله ور شدن آتش جنگ، در کربلا به خدمت امام رسید و از سوی آن حضرت تا قبل از ورود شمر بن ذی الجوشن به کربلا پیغام حضرت را به عُمَر سعد می رساند. با ورود شمر به کربلا این پیغام رسانی قطع شد. در روز عاشورا عمرو اجازه مبارزه خواست. یک ساعت جنگید و به سوی امام برگشت تا از حضرت محافظت کند. تیرها به صورت و سینه او برخورد می کرد و کوچک ترین آسیبی به امام علیه السلام نمی رسید. تا این که بدنش پر از جراحت شد. آن گاه به امام علیه السلام فرمود: «آیا به عهد خود وفا کردم؟» حضرت فرمودند: «آری تو جلوتر از من به بهشت خواهی رفت و سلام مرا به رسول خداصلی الله علیه وآله برسان».

در همین لحظه به زمین افتاد و جان به جان آفرین تسلیم کرد.

## ۶۱ – عَمّار بن حِسان طائی

عمار، پدرش (حسان) از اصحاب امیرالمؤمنین علیه السلام بود. در جنگ های جمل و صفین در راه دفاع از آن

حضرت مبارزه کرد و به شهادت رسید. عمّار از شیعیان خاص و از شجاعان معروف بود. از مکّه همراه امام علیه السلام به کربلا آمد و در حمله اوّل به شهادت رسید.

## ۶۲ – قارب بن عبداللَّه (غلام امام حسین علیه السلام)

وی غلام سیّد الشّهداعلیه السلام و مادرش کنیز آن حضرت بود. قارب همراه امام علیه السلام از مدینه به کربلا آمد و روز عاشورا در رکاب ایشان، به شهادت رسید.

## ۶۳ – قاسط بن زهیر تغلبی ۶۴– کردوس بن زهیر ۶۵– مَقْسَط بن زهیر

این سه برادر از اصحاب علی علیه السلام در جنگ های ایشان جزو مجاهدین او بودند. بعد از آن حضرت با امام حسن علیه السلام همراه بودند و مقیم کوفه شدند. در جنگ ها به ویژه، جنگ صفّین از اینان نام برده شده و چون امام حسین علیه السلام به کربلا آمدند، شبانه نزد آن حضرت رفتند و در روز عاشورا در حمله اوّل به شهادت رسیدند.

## ۶۶ – قَعْنَب بن عمرو نمری

او از شیعیان بصره بود و با حَجّاج بن بدر از بصره به مکّه آمد و به یاران امام حسین علیه السلام پیوست و در روز عاشورا به شهادت رسید.

## ۶۷ – قاسم (قسم) بن حبیب

قاسم، جنگجویی از شیعیان کوفه بود. با ابن سعد از کوفه خارج شد و چون به کربلا رسید در روزهای پیش از درگیری به طرف امام رفت و همراه او بود تا این که در حمله نخست به شهادت رسید.

## ۶۸ – کُنانَه بن عَتیق تَغْلَبی

او از پهلوانان کوفه و از زمره زاهدان و قاریان قرآن بود. در کربلا به خدمت امام علیه السلام رسید و در روز عاشورا به فوز شهادت نایل شد.

## ۶۹ – مُجَمَّع بن زیاد بن عُمَر جُهَنی

مجمع از سرزمین جُهینه (اطراف مدینه) بود. و چون امام علیه السلام از کنار آنان عبور کرد با عدّه ای از

اعراب به حضرت ملحق شدند. با این که دیگر اعراب از اطراف حضرت پراکنده شدند ولی مجمع باقی ماند و در کربلا شهید شد.

### ۷۰ و ۷۱ – مُجَمَّع بن عبداللّه و فرزندش عائذ بن مجمّع

پدر مجمع از اصحاب رسول خداصلی الله علیه وآله و خود از یاران امام علی علیه السلام بود. مجمع و پسرش عائذ همراه تعدادی از کوفه خارج و به امام حسین علیه السلام پیوستند. امام از آنها درباره مردم کوفه پرسید، آنها گفتند: «بزرگان کوفه رشوه های کلانی از مردم گرفته اند و دوستدار حکومت شده اند، امّا بقیه مردم دل هایشان به شما گرایش دارد ولی فردا شمشیرهایشان علیه شما خواهد بود. امام علیه السلام فرمود: «از فرستاده من بسوی مردم (قیس بن مسهّر) خبر دارید؟» او گفت: «بلی حصین بن تمیم او را دستگیر کرد.» مورخین و مَقتل نویسان گفته اند این پدر و پسر در روز عاشورا با هم به شهادت رسیدند.

### ۷۲ و ۷۳ – مسعود بن حجاج تیمی و پسرش عبد الرّحمن

مسعود و پسرش از شیعیان نامی و هر دو دلیر و پر آوازه بودند. ابتدا با عمر سعد از کوفه خارج شدند. امّا پیش از شروع درگیری به یاران امام ملحق شدند و همراه او بودند تا این که در حمله نخست به شهادت رسیدند.

### ۷۴– مُسلم بن عُوسَجِه

مسلم از طایفه بنی اسد و از اصحاب رسول خداصلی الله علیه وآله بود. همچنین از چهره های درخشان کوفه و هواداران اهل بیت علیهم السلام شب زنده دار، قاری قرآن و شجاعی شیرافکن در جنگ با کفّار بود. او از کسانی است که به امام حسین علیه السلام نامه نوشت و تا آخر بر قول خود باقی ماند و همچنین در کوفه برای مسلم بیعت می گرفت. در کربلا از یاران شجاع و وفادار امام علیه السلام بود. سپاه دشمن چون در نبرد تن به تن یارای جنگیدن با او را نداشتند، او را سنگ باران کردند. در بعضی از مقاتل نوشته اند: چون لشکر حمله کرد، مسلم رجز خواند و چون برق بر آن سپاه حمله نمود و پنجاه سوار جنگجو را به خاک انداخت و بر اثر

جراحات زیاد به خاک افتاد، هنوز رمقی در تن داشت که حضرت سیدالشهداءعلیه السلام و حبیب بر بالینش حاضر شدند. امام فرمودند: «ای مسلم، خدا تو را رحمت کند.» مسلم چشم باز کرد، چون نظرش بر آن حضرت افتاد تبسمی نمود و به حبیب گفت: «تو را وصیت می کنم به این آقا و به امام اشاره کرد و گفت: تا جان بر بدن داری او را یاری کن.» حبیب گفت: به پروردگار کعبه چنین کنم. بعد از این سخن مسلم جان به جان آفرین تسلیم کرد. و نام او به عنوان اولین شهید روز عاشورا در تاریخ ثبت گردید. یاران ابن سعد بعد از شنیدن خبر کشته شدن مسلم، از خوشحالی به یکدیگر مژده می دادند.»

### ۷۵ – مسلم بن کثیر اعرج اَزُدی کوفی

از تابعین و از همراهان امام علی علیه السلام بود و در یکی از جنگ های آن حضرت پایش آسیب دید و معلول شد و همراه غلامش «رافع» از کوفه خارج شد و نزدیک فرود آمدن امام به کربلا ـ به ایشان پیوست و در روز عاشورا در حمله اوّل به شهادت رسید.

### ۷۶ – مُنْجِح بن سَهْم

منجح از غلامان امام حسن علیه السلام بود. او با فرزندان آن حضرت از مدینه تا کربلا همراه امام حسین علیه السلام حرکت کردند. در روز عاشورا وقتی دو سپاه حقّ و باطل در کربلا باهم رو به رو شدند، او مردانه جنگید تا در آغاز جنگ به شهادت رسید.

### ۷۷ – نافع بن هلال

او مردی بزرگوار، شجاع، قاری قرآن، نویسنده حدیث و از یاران امام علی علیه السلام بود.در جنگ های جمل، صفین و نهروان حضور داشت. نافع خطاب به امام حسین علیه السلام گفت: «به خدا سوگند از حکم خدا باکی ندارم ملاقات با خدا برای ما ناپسند نیست؛ زیرا ما با نیت و بصیرت خودمان، دوستان تو را دوست و دشمنان ترا دشمن می داریم.»

او در روز عاشورا با تیرهای مسمومی که نامش را بر آن نوشته بود بر دشمن تاخت وقتی تیر هایش تمام شد با شمشیر به دشمن حمله کرد.

ص:۳۷

دشمن اطراف نافع را گرفته با پرتاب سنگ بازوان او را شکسته و اسیرش کردند و به نزد ابن سعد آوردند و شمر با یک ضربه او را به شهادت رساند.

## ۷۸ – نصر بن ابی نَیزَرْ (غلام علی بن ابی طالب علیهما السلام)

نَیزَرْ، پدر نصر از فرزندان نجّاشی بود و در کودکی میل به دین اسلام پیدا کرد او را نزد پیامبرصلی الله علیه وآله آوردند، حضرت او را تربیت کرد و پرورش داد. چون آن حضرت رحلت فرمود، در کنار امام علی علیه السلام زندگی کرد و در نخلستان آن حضرت مشغول به کار شد. نصر بن ابی نیزر به دست چنین پدری تربیت شد و مدّتی در خدمت امام علی و امام حسن و سپس امام حسین علیهم السلام بود و با آن حضرت از مدینه به مکّه و از آنجا به کربلا رفت، در روز عاشورا ابتدا سواره بود ولی اسب او را زخمی کردند و در حمله اوّل به شهادت رسید.

## ۷۹ و ۸۰ – نعمان و برادرش حلّاس بن عَمرو

این دو برادر از مردم کوفه و از اصحاب حضرت علی علیه السلام بودند. حلّاس در کوفه جزو نظامیان بود. آن دو در سپاه عمر بن سعد بوده و چون ابن سعد شروط و پیشنهادات امام حسین علیه السلام را رد کرد، شبانه خدمت امام رسیدند و روز عاشورا در رکاب ایشان در حمله اوّل به شهید شدند.

## ۸۱ – نَعیم بن عجلان انصاری

نعیم از طایفه خزرج و از شُعرای بنام و در رشادت صاحب نام بود. نضر و نعمان، برادران نعیم از یاران و مدافعان حضرت علی علیه السلام در جنگ صفّین بودند و در کوفه پیش از واقعه کربلا از دنیا رفتند. اما نعیم در کوفه باقی ماند تا زمانی که امام علیه السلام به کربلا رسید. ایشان خودش را به امام رساند و روز عاشورا در حمله نخست شهید شد.

## ۸۲ – واضح ترکی (غلام حارث مذحجی سلمانی)

واضح ترکی، دلیر، قاری قرآن و غلام حارث سلمانی بود. با جناده بن حارث به سوی امام حسین علیه السلام آمد، واضح روز عاشورا به جنگ دشمنان شتافت و پیاده

بـا آنـان جنگیـد. در ساعات آخر عمرش استغاثه کرد و امام حسـین علیه السـلام با شـتاب، خود را به او رسانـد و او را در بغل گرفت، در حـالی که جـان به جـان آفرین تسـلیم می کرد، می گفت: «من کجـا و فرزنـد رسول خـدا کجا؟ که چهره اش را بر چهره من بگذارد.» در این لحظه مرغ روحش به فردوس برین پرواز کرد.

## ۸۳ – یزید بن ثُبَیط. ۸۴ – عبداللَّه بن یزید ۸۵ – عبید اللَّه بن یزید

یزید و دو فرزندش، عبداللَّه و عبیداللَّه که از شـیعیان بصـره و شـریف قوم خویش بودند، پس از این که اهل بصـره نامه کمک خواهی امام علیه السـلام را دریافت کردند، این سه نفر از بصره به کمک حضرت شتافتند تا رسالت خود را که همان نصرت و یاری امام بود، انجام دهند.

یزیـد بن ثُبَیـط بـا دو فرزنـدش در منطقه «ابطـح» (حوالی مکّه) که امام علیه السـلام در آنجا منزل کرده بود، رسـیدند و بعـد از استراحت به طرف خانه امام حرکت نمودنـد. از طرفی دیگر حضـرت هم که خبر آمدن آنها را شـنیده بود، برای دیدار شان به منزل ایشان رفت. امام در منزل ایشان منتظر ماند تا این که یزید و دو فرزندش (در منزل خود) به حضور امام رسـیدند. یزید که آن حضرت را در منزل خود دید، گفت: «از فضل و رحمت خداست، سلام بر تو ای پسر رسول خدا.» سپس امام هم در حق او دعای خیر فرمود. سرانجام در روز عاشورا پدر در جنگ تن به تن شهید و دو پسرش در حمله اوّل به شهادت رسیدند.

## ۸۶ – یزید بن مُغَفّل جُعْفی

یزید بن مغفل از دلیران شـیعه و شعرای کار آمد بود. پدرش رسول خداصلی الله علیه وآله را درک کرده و خودش از اصحاب علی بن ابی طالب علیهما السـلام بود که در جنگ صـفین در رکاب او جنگید. سپس حضرت در فتنه خوارج او را برای جنگ با «خرّیت» اعزام نمود. وی در مکّه به کاروان حسینی پیوست و با آن حضرت به کربلا آمد و روز

عاشورا در پیکار تن به تن با کوفیان آن چنان شجاعانه جنگید که دشمن را به حیرت واداشت. پس از کشتن عده‌ای از آنان، به شهادت رسید.

اَلسَّلامُ عَلَیْکُمْ یا أَنْصارَ أَبِی عَبْدِاللَّهِ، بِأَبِی أَنْتُمْ وَأُمِّی، طِبْتُمْ وَطابَتِ الْأَرْضُ الَّتِی فِیها دُفِنْتُمْ، وَفُزْتُمْ فَوْزاً عَظِیماً، فَیالَیْتَنِی کُنْتُ مَعَکُمْ فَأَفُوزَ مَعَکُمْ

سلام بر شما ای یاران ابی عبداللَّه پدر و مادرم به فدای شما باد، خوشا بر احوال شما و خوشا بر آن سرزمین پاکی که در ان مدفون شدید. به خدا قسم شما به پیروزی و رستگاری بزرگی رسیدید. کاش من هم در رکاب شما بودم و با شما به آن پیروزی نایل می شدم.

## منابع


۱ – اقبال الاعمال سید بن الطاووس رحمه الله

۲ – إبصارُ العین فی أنصار الحسین علیه السلام شیخ محمد سماوی رحمه الله

۳ – بحارالانوار علامه مجلسی رحمه الله

۴ – اللُّهُوف علی قتلی الطّفوف سیّد بن الطاووس رحمه الله

۵ – نَفَس المَهموم شیخ عباس قمی رحمه الله


ص:۴۰

## درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹